❖ ب) ادله حجیت قول شاهدین عدلین در موضوعات:

➢ یک) اجماع محصل

۱. مرحوم بجنوردی در ضمن ادله حجیت بیّنه (با توجه به اینکه ایشان بیّنه را به شهادت عدلین برمی‌گرداند) می‌نویسد:

«من أدلّة حجّیتها هو الإجماع. و ادّعته جماعة، و فی الجواهر نفی وجدانه للخلاف فی إثبات النجاسة بها، و لم ینقل الخلاف إلاّ من القاضی بن البرّاج، و ظاهر عبارة الکاتب و الشیخ قدس سرّه. قال فی الجواهر: بل لا أجد فیه خلافا إلاّ ما یحکی عن القاضی و عن ظاهر عبارة الکاتب و الشیخ، و لا ریب فی ضعفه . و لا ریب فی أنّ المتتبّع فی کلام الأصحاب یجد تسالمهم علی إثبات کلّ موضوع ذی حکم شرعی بها، فإنّهم یعترفون بثبوت النجاسة و الطهارة و القبلة و الوقت للصلاة، و أسباب التحریم فی باب النکاح من النسب و الرضاع، و ثبوت الوکالات للأشخاص و عزلهم و الوصایا إلی غیر ذلک من الموضوعات أو الأحکام الجزئیة بها، من غیر نکیر لأحدهم فی إثبات هذه الأمور بها إلاّ الشاذّ الذی لا یعبأ بخلافه، بل المخالف الشاذّ أیضا لا یخالف إلاّ فی بعض الموارد الجزئیّة بجهة أخری غیر إنکار حجّیة البیّنة»[1]

[کاتب: ابن جنید اسکافی]

۲. البته مرحوم بجنوردی، مثل مرحوم خویی این اجماع را به سبب آنکه محتمل المدرکیه است نمی‌پذیرد:

«نعم هاهنا مطلب آخر، و هو أنّه تقدّم منّا مرارا فی هذا الکتاب أنّ هذه الإجماعات لیست ممّا هو مصطلح الأصولی التی ثبتت هناک حجّیتها، لاحتمال اعتماد المتّفقین بل الاطمئنان بأنّهم اعتمدوا علی بعض هذه المدارک المذکورة أو علی کلّها. »[2]

۳. آیت الله سید کاظم حائری به نقل از مرحوم شهید صدر، در این سخن مرحوم خویی خدشه می‌کند:

«وقد ناقش السید الخوئی (رحمه الله) فی الاستدلال به بما تعارف ذکره عادة فی مناقشة الإجماعات من أنّه لو ثبت فهو محتمل المدرکیة ، إلا أنّ اُستاذنا الشهید (رحمه الله) رأی أنّ قوة الإجماع والوضوح الفقهی وصلت فی المقام بلحاظ حساب الاحتمالات إلی حدّ لا مجال للنقاش فیه ، فذکر أنّ هذا الإجماع لو فرض استناده إلی روایة مسعدة بن صدقة أوجب بنفسه الوثوق بروایة مسعدة بن صدقة ، ولو فرض استناده إلی روایات القضاء بالبیّنات أوجب بنفسه الوثوق باستظهار القاعدة

---

[1] . القواعد الفقهیة، ج۳، ص۱۵

[2] . همان، ص۱۶

الکلّیة من تلک الروایات وعدم اختصاص حجیة البیّنة بباب القضاء ، ولو فرض عدم استناده إلی شیء فهو إجماع تعبّدی کاشف بحساب الاحتمالات عن رأی المعصوم.»[1]

۴. ما حصل سخن ایشان آن است که کثرت قول فقها در اینکه «شهادت عدلین» را در موضوعات حجت می‌دانند، باعث حدس قطعی (یا حدس اطمینان‌آور) می‌شود به اینکه این مطلب صحیح است.

البته اگر مستند فقها، هیچ روایتی نباشد، این اجماع تعبدی است و حجت است.

و اگر مستند فقها روایت مسعده باشد، این اجماع باعث می‌شود که ما نسبت به روایت مسعده اطمینان پیدا کنیم [و بگوییم حتماً بیّنه در این روایت به معنای شهادت عدلین است و حتماً روایت دلالت و سند تمامی دارد]

و اگر مستند فقها، روایات باب قضاست، اجماع باعث می‌شود که ما بگوییم حتماً از روایات باب قضا یک قاعده کلی قابل استفاده است که عبارت است از «حجیت شهادت عدلین در مطلق موضوعات» (و اجماع باعث می‌شود که بگوییم روایات قضا اگرچه شاهدین عدلین را در باب قضا ثابت کرده است ولی در حقیقت شاهدین عدلین در همه موضوعات حجت هستند و باب قضا یکی از مصادیق است و به عبارت دیگر باب قضاوت موضوعیت ندارد)

۵. ما سابقاً گفته بودیم که مدرکی بودن اجماع، ضرری به حدس قطعی که ملاک حجیت اجماع است نمی‌زند. آنچه ما در تقریر نظر خود گفتیم با فرمایش مرحوم صدر قابل تطبیق است.

۶. مرحوم فاضل با اینکه «مدرکی بودن» را دلیل بر رد اجماع می‌دانند، خواسته‌اند در ما نحن فیه، اجماع مدرکی را حجت کنند. ایشان می‌نویسد:

«ویمکن الجواب عن الإیراد بأنّه حیث لا تکون الوجوه الآتیة ظاهرة الدلالة علی حجّیة البیّنة، بل اکثرها أو کلّها مخدوشة، فالاجماع علی اعتبارها بنحو یکون کإرسال المسلّمات لا یبعد أن یقال بکشفه عن موافقة المعصوم علیه السلام، لعدم التلاؤم بین هذا النحو من الإرسال، وبین الوجوه التی لا تکون دلالتها علی حجیّة البیّنة ظاهرة، کما هو ظاهر.»[2]

۷. اما به نظر این سخن کامل نیست. چرا که اگر مراد مرحوم فاضل آن است که «چون فقها، حجیت شاهدین عدلین در موضوعات، را مسلم می‌دانسته‌اند معلوم می‌شود که نمی‌تواند این روایات و ادله، مستند آنها بوده

---

۱ . فقه اهل بیت علیهم السلام – عربی (مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی)، ج۵۲، ص۱۳

۲ . القواعد الفقهیة، ص۴۸۰

باشد، پس اجماع ایشان مدرکی نیست»، این سخن کامل نیست چرا که معلوم نیست فقها این ادله را ناکافی می‌دانسته‌اند.

و اگر مراد ایشان آن است که «چون فقها، حجیت شاهدین عدلین در موضوعات را مسلم دانسته‌اند، پس شهادت عدلین حجت است»، این در حقیقت دلیل دیگری است که می‌توان آن را «ضروری فقه» نامگذاری کرد و خواهیم آورد.

- دو) استفاضه اجماعات منقوله:

۱. مرحوم سید عبدالرضا شهرستانی، ادعا کرده است که ادعای اجماع بر حجیت شهادت عدلین در موضوعات، به سرحد استفاضه رسیده است.[۱]

۲. ظاهراً چنین ادعای قابل اثبات نیست، چرا که مطابق آنچه بسیاری جمع آوری کرده‌اند[۲]، تنها شیخ طوسی[۳] به صراحت در مسئله ادعای اجماع کرده است و سید مراغی[۴] هم به «بعض الاصحاب» اجماع را نسبت داده است.

- سه) استقراء (اصطیاد قاعده کلی)

۱. مرحوم شهرستانی، ادعا می‌کند که در این بحث می‌توان به استقراء تمسک کرد. مراد ایشان آن است که وقتی می‌بینیم شارع در ابواب مختلف و در موضوعات متعدد، شهادت عدلین را حجت دانسته است، یک قاعده کلی را از این موارد اصطیاد نماییم.

«**فانه قد ثبت حجتها فی اکثر الموارد بالنصوص و الاجماع. و المشکوک یلحق بالغالب**»[۵]

۲. در این باره باید بگوییم، اگر استقراء موارد جزئی، ظن به قاعده کلی را حاصل آورد، ظاهراً در اصول این ظن را حجت نمی‌دانند و «الحاق مشکوک به غالب» هم ملاکی ندارد ولی اگر بگوییم کثرت موارد باعث اطمینان به قاعده کلی می‌شود، سخن قابل قبولی است.

البته تتبع در موارد و موضوعات و همچنین توجه به موارد خلاف (مثل شهادت اربع عدول در بحث زنا و لواط و مساحقه) برای تحصیل این اطمینان لازم است.

---

[۱] . ن ک: مقالید الهدی فی شرح العروة الوثقی، ج۱، ص۳۳۹

[۲] . موسوعة الفقه الاسلامی، ج۳۱، ص۳۵۸

[۳] . خلاف، ج۶، ص۲۵۲

[۴] . العناوین الفقهیة، ج۲، ص۶۵۰

[۵] . همان